افلاطون‌گرائی در منظره فرگه با هوسرْل

اولین تجربه آن، منظره فرگه(Ferge) با هوسرْل(Husserl) –پدر پدیدار شناسی- است. آقای هوسرل کتاب «فلسفه حساب» را در ۱۸۹۱ نوشته است. بعد با فاصله ده سال تا ۱۹۰۰ مراسلات و منظراتی با فرگه دارد. کسانی که در مباحثه مقاله اندیشه فرگه تشریف داشتید، ذهن او برای این فضایی که ما میگفتیم خیلی خوب است و قوی میفهمد. یعنی از آن ذهنهایی بوده که میدیده، لذا کسی هم که میبیند، در کار، قوی است و بحث را جلو میبرد. ذهن او به این صورت است. متأسفانه اسم مقاله خود را «اندیشه» گذاشته بود؛«Thought». یادتان هست که عرض کردم. همان چیزی است که ما در فلسفه خودمان هم داریم و میگوییم «معقول». خُب چرا «معقول» میگوییم؟ وقتی شما «معقول» میگویید واژه یک نحو بندبودن به انسان ارا یحاء میکند. بلکه شما برای معقولاتی که مجرد تام هستند و استقلال دارند، باید یک واژه دیگری را به کار ببرید تا نفسیت را برساند. نه واژه اسم مفعول. او هم همین کار را کرده بود. ما در دو-سه جلسه از آن بحث کردیم.

خُب ایشان چه کار کرده؟ سر کتابی که این آقا در سال ۱۸۹۴ نوشته بود منظره کردند. جلد اولش از چاپ بیرون آمده بود. لذا آنها درگیر بحث شدند؛ وقتی درگیر شدند، دیگر جلد دومش از چاپ بیرون نیامد. از چیزهای جالب تاریخ ریاضی همین است. میگویند جلد دوم فلسفه حساب هوسرل، چاپ نشد که نشد. بعد در سال ۱۹۰۰ بر همانها رده نوشت به نام «پژوهشهای منطقی». یعنی چه کار کرد؟ وقتی رفتوبرگشت ها را ببینید، متوجه میشوید که به او نشان داد که ریاضیات ساخته و پرداخته ذهن ما نیست. وقتی دید، دیگر تمام شد. بعد از اینکه فرگه چشم او را باز کرد، به او گفت ببین اشیاء ریاضی به تو بند نیستند؛ ببین تو آنها را درست نکردهای و اگر ما نبودیم هم هستند. بعد از اینکه دید، شد هوسرل دوم و کارش را مفصل جلو برد. این یکی از تجربیات تاریخی است.

بازبینی #3
ایجاد شده 11 فوریه 2024 16:27:07 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2025 14:27:49 توسط ... .